



روایتی از شهر شہادت و پاپداری

گفت و گو با پدر شهیدی که در بمبان سوسنگرد پدر، مادر و ۳ فرزندش را از دست داد

شده بودند که آن هارا به بیمارستان اعوان برده بودند. در همان بمباران حدود ۷۰۰ نفر شهید شده بودند. وقتی به بیمارستان سوسنگر در فته بودم با خیل عظیمی از پیکر شهداء مواجه شدم که استقامت مرا ایش از قبیل کرده بود. اما خیلی در دنا ک بود. سوسنگرد به طور کامل ویران شد بود. در این حادثه تلخ سه فرزند به نام های نهضت ۱۴ ساله، علی ۱۲ ساله و مریم ۲ ساله را از دست دادم. حتی پدر و مادرم هم در منزل بودند و شهید شدند.

که پدر، مادر و سه فرزند خود را از دست بدده و همسر و دو فرزند دیگر شن هم جانباز شوند و شاکر خدا باشد که توانسته در این مسیر الهی سهم بسزایی داشته باشد. پدری با استواری کوه اما با دلی پراز احساس از روز فاجعه تاخ بیماران شهر سوسنگرد می گوید: «سال ۱۳۶۵ بود که هوایمایی بعیشی شهر سوسنگرد را بیماران کرد و خیلی از منازل با خاک یکسان شدو کلی شهید بر جا گذاشت. متناسفانه در این بیماران خانه ما نیز مورد اصابت قرار گرفت و پدر، مادر و سه فرزند

علی ترابی - روایت عجیبی دارد که
دل هر کسی را می تکاند و داغ عظیمی
را بر دل می نشاند. در عین آرامش و
صبوری از تخلی های حدود ۳۷ سال
قبل می گوید که چه هابرس خانواده
، دوستان و اقوامش آمد که هنوز پس
از این همه سال آن اتفاقات در دنا کار
یاد و دل نمی روود و چون سوزی بر دل
مانده با او همراه است. پدر است و بعد این
همه سال دلش برای فرزندان از دست رفته
تنگ می شود و بانام شان احساسی می شود و
بعض می کند. هنوز آن صحنه های دلخراش
در گوشه چشمش پدیدار است و از آن روزهای

■ صحنه‌ای در دنای برای همیشه

پر روری باید این روزهای پر روری باید این روزهای
است که شهر همچون غزه امروز به صحنه های
دلخراشی تبدیل شده بود که دل هر انسانی
را به درد می آورد. هر چند که آن روزهای سوز
همراه بود، اما انسان هایی بودند که به لالی
آب و صداقت آینه و به استواری کوه در مقابل
دشمن ایستادگی و از خاک کشور شان دفاع
کردند. دلیر مردانی که با دست خالی و باتاسی
از عاشورا برابر دشمن ایستادند تا وجب و جب
این خاک ایرانی بماند. ابراهیمی نسب یکی از
همین دلیر مردان شهر سوستگرد است که در آن

A black and white photograph capturing the aftermath of a severe explosion or collapse. In the foreground, a large pile of twisted metal rods and concrete rubble dominates the scene. Behind this debris field, a multi-story building stands partially intact but severely damaged. A prominent feature is a large, jagged hole in the side of the building, through which internal rooms and structural elements are visible. The sky above is clear and pale.

که چند روز قبل همگان دی
چه کار کرد. در آن زمان، زن
سخت بود. به نوعی جهنم
استقامت داشت و مردم است
در جبهه مقدم بودند و هیچ ف
نداشتند. سو سنگرد طی 4°
اما شهید چمران ورزمنده

■ مردم مظلوم مقاومت

کردند. الان خودم و فرزندانم
اگر نیاز باشد باز هم به میدان
می رویم و از کشورمان
دفاع می کنیم. خودم
الان ۶۵ سال دارم. اگر به
کشورمان تعلق دارد و به خاک ما
تجاور شود تکلیف شرعی داریم که
به جنگ برویم.

آن زمان صحنه های تلخی بود که خ
آن روز هارانیاورد. تحمل می خواهد
آن الان در غزه رخ داده است که زن و ب
می شوند. صدام اسرائیلی ها هم بد
تر بود. به هیچ احتمالی رحم نمی کرد.
خیلی از کودکان شهید شدند. ص
دلخراش و نواراحت کننده ای است که
آن هم ناراحت کننده است. مردم
مطلوب هستند و کمتر دیده شده اند.
قدرتان شهدا باشیم که این چنین امن
مارق هم زندن.

این پدر شهید در ادامه سخنان خود معتقد
است که باید قدردان خون شهدا باشیم و در این
باره می گوید: خیلی ها متأسفانه قدر شهدا را
نمی دانند. اگر آن هابنوبند، ملت ایران الان
در کمال آرامش و آسایش نبودند. به فرموده
مقام معظم رهبری، هر چه داریم از شهداس است
و باید قدردان باشیم. از طرفی مردم شهرهای
خوزستان با جنگ زندگی کردند. ما جنگ را
از نزدیک لمس کردیم. بعضی هامی شنیدند.
ولی مامدت ۸ سال از نزدیک با خانواده آن را
لمس کردیم. در شرایطی که بیماران می شد،
زن و بچه داخل خانه بودند و از نزدیک با این
فاجعه زندگی می کردند. صدام به هیچ احتمالی
رحم نمی کرد. حتی به خود عراقی ها هر رحم
نمی کرد. به سرزمین ما آمد و تعددی کرد و در
عرض ۴۸ ساعت می خواست خوزستان را
بگیرد و سمت تهران بیاید. اما مقاومت مردم
بود که باعث شد جلوی آن ها گرفته شود. الان
ایران یکی از مقاوم ترین کشورهای جهان است

■ سو سنگرد شهر استقامت

خودم آن لحظه در منزل نبودم و در بیرون شهر به رزمنده ها کمک می کرد. عصر که به سوستگردد بر گشتم با صحنه درآوری رو به رو شدم که واقعاً تعزیز کردن آن برای من سخت و در دنک است. با خانه ای رو به رو شدم که با خاک یکسان شده بود و همه افراد داخل خانه زیر آوار مانده بودند. فقط در این بین همسرو دو فرزند پسرم مجرح

لـلـأـلـبـرـاـنـدـرـيـهـ طـبـاخـانـ جـنـوـيـهـ بـرـيـ سـيـابـ

مذہب اگر و مذہبی و حصل و مظل
جسادہ ای خواہیں جو ہوئے مالکاریہ
لہاڑت ہے اکیپر احمدیہ لستان اکتے
متری علی سطرا اسماں ملستان علی اسماں
جھوپر۔ جھوپری احمدیہ مذہبیہ اسماں
و مذہب اکسل مل کر پڑتے اسماں
مذہب اکسل احمدیہ مذہبیہ ملے جاندیں
میراں جھوپر ماں کلاریہ ملے ملے جاندیں
میراں جھوپر میراں جھوپر ملے جاندیں
امنہ و میر میر میر میر ملے جاندیں
امنہ اکسل اکسل اکسل اکسل اکسل اکسل
امنہ مسے ملے اکسل اکسل اکسل اکسل
۱۸۱ اسلام انس
احمدی ای ملے جاندیں اکسل اکسل اکسل ای
امنہ اکسل اکسل اکسل اکسل اکسل اکسل ای

An aerial photograph of a city at night, capturing a dense network of streets and buildings. The scene is bathed in a deep blue light, with numerous streetlights and building windows glowing white and yellow. The roads appear as dark, winding paths through the urban landscape.

۱۳۷۰ نویسنده: خراسانی حمیری راهنی خانه بیت شهداد

مردم از پیروزی شکل های نوین می خواهند
و ساخت این راهها
میتوان این راه را انتخاب کرد [۲۷]
که شکل آنها این راه است که میتوانند
کارهای انسان را بپردازند و نه کارهای
کارهای انسان را بپردازند و نه کارهای
کارهای انسان را بپردازند و نه کارهای

مدونون معاشر و مسلطات ملکیت این کتابت
اسناد اسلام صفتی از همان انسان صفتی و
الشاعر ۱۷۲۰ م در تبریز در سال ۱۱۹
جعفر نادر

نه که از این ایام اینجا خوش بود ایام اخراج ملکیت
الشاعر از اندیمشتی از این اسناد دوستی
جهد و حس انسانی این کتابت این سرد و چشم زدن
شکل و چشم - تهیه کنن - اینست - آن
لذت گشتن - عالم اینکه بسیار از این اندیمشتی
سریع و پریده باقی است از اندیمشتی و ۲۷

شکل گشتن

مدونون معاشر و مسلطات ملکیت این کتابت
اسناد اسلام صفتی از همان انسان صفتی و
الشاعر ۱۷۲۰ م در تبریز در سال ۱۱۹
جعفر نادر

مهارت آموزن و حمله خود را تسبیب نمایند کسانی در سال ۱۹۷۴

در سال ۱۹۷۴ مهدی قریب خود را تسبیب نمایند کسانی است که از این سال آغاز شدند
جهد انسانی خود را تسبیب نمایند ۲۷۵ هزار ایرانی در سال ۱۹۷۴ مهدی
آنکه اینها را باشند و میتوانند (نکار، پاسخگویی،
حکایت افسوس ایشان) خود را تسبیب نمایند
در سال ۱۹۷۴ مهدی قریب اینها را تسبیب نمایند
جهد انسانی خود را تسبیب نمایند ۲۷۵ هزار ایرانی در سال ۱۹۷۴ مهدی
آنکه اینها را باشند و میتوانند (نکار، پاسخگویی،
حکایت افسوس ایشان) خود را تسبیب نمایند

عملات و مالیات

دینیم کل جنگل اسلامیم حمله
جنگیم کلست بر تکلیف خشم از زبانی
لهم کل نسلیان و زنده اسماخ اشکانیان
هزاریم بر را کنید اسراری ایشان ایشان
بر کل آنکه ایشان ایشان ایشان
بر عروض ایشان ایشان ایشان ایشان
ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان
ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان

این اینکه همین آنچه ایجاد شده است این اینکه توانیم
و نسبتی نسخه های اسلامی هم این مردم
نمایشی که همین جزو مخصوصی از این داد
جهاتی هستند که اینها را در اینجا نمایش
نمایند و در این حالت خود را می کنند
که همین که اینها نشانه اسلامی هستند